

پیوستها



### اخلاق انقلابی و اخلاق ساواکی

محمود رامیار

#### اشاره

نوشته‌ای که ذیلاً منتشر می‌شود، نخستین بار در بهار انقلاب اسلامی به صورت اعلامیه‌ای بدون تاریخ به توسط شادروان محمود رامیار نوشته و پخش شده است. پیش از این گفته شد که با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران برخی از حاسدان و منافسان فرصت را مناسب شمرده به بهانه اینکه رامیار سالهایی چند در دانشکده و دانشگاه سمتهایی را به عهده داشته است به اذیت و آزار و شکنجه روحی وی پرداختند. رامیار این اعلامیه را در واکنش به چنان دروغ پراکنی‌ها و اشاعه تهمت‌ها فراهم ساخته و انتشار داده است. اینک که مقرر شد به پاس خدمات علمی و فرهنگی آن استاد فرزانه و مدیر دلسوز و کاردان و یژنامه‌ای منتشر شود، مناسب است آن اعلامیه نیز در این جا چاپ گردد تا هم در دسترس علاقه‌مندان قرارگیرد و هم در تاریخ ثبت شود. ضمناً تصویر آن اعلامیه نیز در ادامه در معرض دید خوانندگان قرار خواهد گرفت.

انقلاب ما مردم خصائصی دارد که در تاریخ بشری کم نظیر و از بعضی جهات بدون گفتگو بی نظیر است. از نظر عظمت ابعاد، از جهت سرعت عمل و از لحاظ وسعت و عمق، پدیده‌ای است که همه فرضیه‌ها را بهم ریخته و مایه سالها بحث و تحقیق پژوهشگران خواهد بود. اما انقلابی بدین عظمت، موجباتی برای پیدایش خود داشت که اگر آن عوامل نبود مسلماً چنین سریع و آنی و تا این حد وسیع و عمیق تأثیر نمی‌کرد. یکی از عوامل بسیار، احساس عدم امنیت افراد در برابر رژیم خودکامه طاغوتی بود. مردمی بودند که سرشان پائین بود و تنها به زندگی خود می‌رسیدند. اما یک وقت پیش آمد که دیدند: فردی که از خیابان می‌گذرد، بی آن که قصدی داشته باشد آماج گلوله و یا ماشین قرار می‌گیرد و جابجا نابود می‌شود. کسی که پی نان و آبی رفته و یا کلاس درسی و بحثی داشته، دیگر از او خبری نشده و بازگشتی نداشته است. رهگذری که دعوت یک دعوت کننده را پذیرفته، رفته و برنگشته. و بالاخره، کسی که فارغ از همه چیز، در سینما نشسته تا فیلمی تماشا کند، زنده زنده بخاطر هوسی سوزانده شده است.

این حوادث، آخرین زنگ خطر شد. مردم بیدار شدند و دیدند که در برابر رژیم ساواکی هیچ کس تأمین ندارد. نه قانونی وجود دارد و نه رحمی. هر چه ساواک کرد کرده و هر که را کشت کشته.

این احساس عدم امنیت مردم را به هیجان آورد و با عوامل دیگری که طی پنجاه سال گذشته بر روی هم انباشته شده بود درهم آمیخت و با رهبری دایمانه آیه‌الله العظمی امام خمینی کاری بدین بزرگی، بدان زودی و خوبی سرانجام یافت. امروز مردم از این انقلاب دستاوردهائی دارند که به قیمت جان شهداء و به قیمت شکنجه‌های زندان و به قیمت درد و رنج ۲۵ ساله و یغمای پنجاه و یکساله تمام شده است. این دستاوردها آسان به چنگ نیامده که نسبت بدان بی‌اعتنا بمانیم و یا خود کم بها نیست که اگر از چنگ رفت تأسفی نداشته باشیم. تاریخ ۲۵ قرنی ملت‌ی اینجا ورق

خورده و نظام ۲۵۰۰ ساله‌ای واژگون شده. پس این گرانبهاترین چیزی است که در تاریخ ۲۵ قرن‌ی ملت بوجود آمده است.

این را می‌دانیم که یکی از خصایص انقلاب استمرار آن است. انقلاب باید مداوم باشد. توقف یعنی مرگ. و برای ادامه انقلاب و حفظ دستاوردهای آن باید اخلاق انقلابی داشت. اخلاق متکی بر فضیلت و تقوا. انقلاب را باید شناخت و با شناختی درست فضائل را ارج نهاد و رذائل را محکوم ساخت. بدون اخلاق انقلابی و بدون فضائل و مکارم انقلابی، کار انقلاب زار است و در معرض خطر.

رژیم فاسد سابق نیز متکی بر فرهنگ و اخلاق خاص خود بود. منتها در آن رژیم، اخلاق ساواکی حکومت می‌کرد. شاید تمام مأموران ساواک پنجاه شصت هزار نفر بیشتر نبودند. اما خطری که جامعه ایرانی را خیلی بیشتر مورد تهدید قرار داده بود این اخلاق ساواکی بود. در یک چنان رژیم فضائل انسانی جای خود را به حیوانی‌ترین خصائل داده بود.

اما حالا انقلاب شده، همه چیز عوض شده، و اگر به شرایط انقلاب درست عمل کنیم همه آثار نیک آن باقی خواهد ماند و جامعه‌ای سالم خواهیم داشت و گرنه، همه چیز را از دست خواهیم داد.

یکی از این شرایط، داشتن اخلاق انقلابی است که بدون آن، دستاوردهای انقلاب از بنیان در معرض نابودی خواهد بود. در این اخلاق انقلابی، اگر چیزی از کسی دیدیم مردانه روی در رویش می‌ایستیم و به او می‌گوئیم که خود را اصلاح کند. از خودمان انتقاد می‌کنیم و انتقاد دیگران را هم با روی باز پذیرا می‌شویم. دوستانمان را به باد انتقاد می‌گیریم و مطمئنیم که انتقادمان سازنده است نه ویرانگر. اخلاق انقلابی تنها متکی بر فضیلت و تقواست. اما اخلاق ساواکی چنین نیست. لحظات کنونی بسیار حساس است. هنوز باقیمانده‌های رژیم فاسد قبلی وجود دارد و طاغوت از میان نرفته، پس یک فتنه‌گری مودیان، یک نشر دروغ و یک اشاعه تهمت و افترا، چه بسا که

جنگالی بزرگ به پا کند. اخلاق ساواکی می‌گوید:

پشت سر مردم مخفی شو و پنهانی فریاد بدار که «آی ضد انقلابی» «آی بدی و زشتی» و همه را به جان هم بینداز. البته این چنین اخلاقی، انقلابی که نیست هیچ، انسانی هم نیست. فقط اخلاق ساواکی است.

در لحظات حساس کنونی، هرگونه سمپاشی، دروغ پراکنی و اشاعهٔ تهمت و افتراء لطمه‌ای است ناجوانمردانه بر پیکر انقلاب و بر زمینه‌های تفاهم و همکاری بسیار لازم نیروهای انقلابی.

ما که یک چنین انقلابی بدین عظمت را از پیش برده‌ایم باید اخلاقی را که متناسب با ابعاد این انقلاب باشد بپذیریم و خصلت‌های اصیل انقلابی را از دست ندهیم. برای حفظ انقلاب باید مبارزه کرد. تا وقتی مبارزه می‌کنید دستاوردها هست، ولی اگر لحظه‌ای مبارزه قطع شود دستاوردها هم در معرض هجوم تازه قرار خواهد گرفت. پس بخاطر حفظ این دستاوردها، بخاطر نگهداری این آزادی بدست آمده بر اساس حقوق انسانی و منافع ملی، بخاطر همه چیز زیبای این انقلاب مقدس، باید مبارزه ادامه پیدا کند. باید با هر آنچه از رژیم طاغوتی رنگ و جلوه گرفته و هر چه در درون خود مایهٔ فساد گشته و یا بگردد، به مبارزه برخاست.

یک نمونه دیگر از این اخلاق ساواکی، نوشتن نامه‌های بی‌نام و نشان و یا جعلی به نشانی سرشناسان و دوستان و آشنایان یک دشمن و یا یک محسود و متهم داشتن او به دروغ و تزویر است. خود متهم خبری از جانی ندارد. اما همهٔ دوستان و آشنایانش از اتهامات گونه‌گون پر شده‌اند.

بدین ترتیب، متخلف به اخلاق ساواکی به هدف خود رسیده است. هم کسی را که خواسته در مظان شدیدترین اتهامات قرار داده و هم متهم از هر نوع اتهامی بی‌خبر مانده است. حجب و حیای حضوری هم به کمک او آمده و دیگران هم متهم را خبر نکرده‌اند.

البته این اتهامات جنبه‌های مختلفی دارد. یا مورد مشخصی است و یا اینکه اصلاً کلی و عمومی است. فقط اتهام است و بس.

یکی از بزرگترین معایب این روش آن است که متهم از اتهام بی‌خبر می‌ماند. اگر هم خبر شد، نمی‌داند که چطور باید دفاع کند. بخصوص که اتهامات کلی، تلقین سوء می‌کند اما جواب دادنی نیست.

مثلاً اگر کسی به من اتهام بزند که تو هشت سال پیش، وقتی به دانشگاه آمدی لیسانس معقول بودی. می‌توانم جواب بدهم که نخیر، من لیسانس معقول نبودم. بلکه لیسانس علوم منقول و علوم تربیتی و علوم سیاسی داشتم و دکترای علوم سیاسی را هم در دانشگاه تهران گذرانده بودم مدارکش هم در پرونده استخدامیم هست. بعد هم که بر خلاف گفته تو، برای این که درسی به امثال تو بدهم، از یکی از معتبرترین دانشگاههای دنیا Ph.D. گرفته‌ام، به جای این که از تبصره ۱ ماده ۱۳ آئین نامه هیأت ممیزه استفاده کنم که کار را بسیار آسان کرده است.

و یا اگر گفت: «بدون داشتن هیچ اثر علمی» (کذا) به دانشگاه منتقل شدی، جوابش استهزاء است. البته می‌توانم اضافه کنم که سالها پیش «فهارس القرآن» از من به عربی و فارسی (در اسفند سال ۱۳۴۵) از طرف بنگاه امیرکبیر در تهران به نفیس‌ترین صورتی چاپ شده و این اثر به عنوان یک مرجع مطمئن در مؤسسات علمی جهانی مورد مراجعه است. و یا «تاریخ قرآن» (که بی‌گفتگو درزمینه خود به زبان فارسی بی‌نظیر است) در سال ۱۳۴۶ از طرف بنگاه نشر اندیشه تهران منتشر شده است. و بعد هم که دهها مقاله و رساله چاپ شده و هم اکنون هم به کوری چشم اینها ۲ کتاب زیر چاپ دارم).

و یا اگر کافر ماجرائی کرد و تهمت زد که دانشیاری تو فقط با موافقت هیأت ممیزه و هیأت امناء بوده است، جوابش بسیار آسان است که در آن موقع هیأت ممیزه‌ای نبود که حالا این را وسیله حمله بدان هیأت قرار بدهی. نخیر، با تصویب هیأت امناء

و شورای دانشکده و گروه منتخب شورای دانشگاه (به جای هیأت ممیزه)، و خود شورای دانشگاه، و بعد از همه اینها با تصویب شورای مرکزی دانشگاهها بود. گذشته از اینها، هر زمانی و هر دانشکده‌ای مقتضیاتی دارد و حساب دانشکده الهیات را به دلایلی از سایر حسابها جدا داشته‌اند.

ملاحظه می‌فرمائید که می‌شود تا اینجا بعضی چیزها را با مدرک و دلیل جواب داد. سوابقش هم در پرونده‌های امر موجود است. اما اینکه همین طوری و بطور کلی بگوید که در قراردادهای ساختمانی حیف و میل کرده، این را دیگر چه می‌شود جواب داد. طبق اصول موضوعه «البینه للمدعی» اثبات هر امری با مدعی است. اما اینجا که مدعی شناخته شده نیست. مدعی خناسی است که در پس پرده بی‌نام و نشانی پنهان شده و در دل مردم وسوسه می‌اندازد. تازه، ادعا هم روشن نیست که جواب داده شود. همین قدر کلی می‌گوید که حیف و میل شده است. آخر کجا؟ کی؟ ... خیر آقای بسیار محترم! نه تنها در دوره من حیف و میلی نشد، بلکه دقت من در حد اعلائی توانائی و در مرز وسواس بود و بدون گفتگو به هیچ وجه با دوره‌هایی که به سکوت گذرانده‌اید قابل مقایسه نیست. (تصادفاً در این قبیل نامه‌ها، مسأله بسیار جالب سکوت‌های آنهاست. آنجا که سکوت کرده‌اند خیلی گویاتر است).

اما مسأله اصلی، اینجا این است که این جوابها را من به که باید بگویم؟ من چه می‌دانم که چند نفر و چه کسانی بوده‌اند که چنین تهمت‌هایی را دریافت داشته‌اند، تا جواب خودم را به گوش یکایک آنها برسانم؟ اساساً از کجا معلوم که من متهم خبردار شوم؟ این روش ساواکی موجب آن می‌شود که شخص مورد نظر خود هیچ خبر نشود و در برابر، تمام اجتماع از اتهامات وارده متأثر گردند.

همین روش بود که رژیم منحط سابق را آن چنان سریع واژگون کرد. ولی هنوز

دست‌پرورده‌هایش باور نمی‌دارند که اثر این روش چه بوده است؟

ببینید در قرآن مجید خداوند درباره این دروغ‌پراکنی برای نگران ساختن مردم چه

فرموده (سوره احزاب آیه ۶۰ - ۶۲ و سوره انعام آیه ۸۶) و چگونه کیفر این فتنه‌انگیزان را دستور فرموده است و حضرت امام خمینی و همه آیات عظام تا چه حد مردم را از این خناسان و تفرقه‌افکنان برحذر فرموده‌اند. سکوت در برابر این فتنه‌گران خیانت است به قرآن. چه بسا که به سابقه کینه و یا حسادت، فردا نام خود تو خواننده عزیز در این میان ذکر شود. چه تأمینی وجود دارد که چنین نباشد. گذشته از آن، این بی‌طرفی و بی‌تفاوتی، اخلاق انقلابی نیست. این با روش مسلمان متعهد سازگاری ندارد. این هتک حرمت اجتماع است. هر کس وظیفه دارد که این قماش مردم را با این اخلاق بشناسد و به دیگران هم بشناساند. این افشاگری موجب حفظ آبروی جامعه است. اگر راست می‌گویند با گردنی افراشته صدای حق خود را بلند کنند و بگویند که چه بوده و چه شده و چرا تا به حال سکوت کرده بودند، نه همین که هیأت ممیزه پس از سالی به کاری رسیدگی کرد، از سر حقد و حسد فریاد برآرند و بدون نام و نشان دو هزار تهمت و دروغ بپراکنند.

این گریبانگیر خود تو و من و او هم خواهد شد. اگر این موجودات وحشتناک را بشناسیم و بشناسانیم و او را هم که متهم داشته آگاه کنیم، دیگر به این خناسان، مجال فتنه‌گری در این لحظات حساس نداده‌ایم.

این اخلاق ساواکی را محکوم کنیم و مجال به چنین جلوه نمائی‌های زشت ساواک ندهیم که در انقلاب مقدس، نفاق‌افکنی و فتنه‌گری کنند. این انتقام از انقلاب است. جلوی آن را بگیریم.

بگذارید همه ما که با هم فریاد کشیدیم و دیواره‌های پولاد نمای دیکتاتوری را درهم ریختیم، در این لحظات حساس و دقایق خطیر، هوشیار و پرتوان باقی بمانیم و آن زیبایی پاک و خلوص را با این زشتی ناپاکی و فتنه‌گری آلوده نکنیم. پاس دستاوردهای انقلاب را بداریم و در نگاه‌داریش از رهن نفاق‌افکن، کوشا باشیم. بمانه و کرمه

تصوير صفحه اول شكوائيه دكتور محمود راميار





تصویر صفحه چهارم شکوائیه دکتر محمود رامیار

تصویر نامه دوستانه شادروان محمود رامیار به استاد کاظم مدیر شانه‌چی از بریتانیا



تصویر نامه دوستانه دیگری از رامیار به استاد کاظم مدیر شانه‌چی از بریتانیا

تصویر سومین نامهٔ دوستانه رامیار به استاد کاظم مدیر شانه‌چی از بریتانیا

تصوير چهارمين نامه دوستانه راميار به استاد كاظم مدير شانه چي از بریتانیا

تصویر گواهینامه موقت پایان تحصیلات دکتری شادروان محمود رامیار

تصوير صفحه انجاء قرآن مكتوب به خط مصطفی نطفی كه *فهارس القرآن* راميار همراه آن انتشار یافته است. این نوشته محتمل است كه به خط مرحوم راميار باشد.